

کشف و فهم الزامات و بایسته‌های نظام‌سازی قرآنی

در جامعه اسلامی

دریافت: ۹۵/۱۰/۹ تأیید: ۹۶/۵/۲۰ محمد عبدالحسین زاده* و حسین بابایی مجرد**

چکیده

حکمرانی اسلامی در عصر حاضر و در مقام پاسخگویی به اندیشه‌های رقیب و جهت احتراز از سعی و خطا و آزمون‌های محتمل‌البطالان، چاره‌ای جز نظام‌سازی مبتنی بر معارف و حیانی ندارد. اگر این مهم انجام نگیرد، کارآمدی نظام اسلامی متکی بر فقه شیعی و تئوری ولایت فقیه به خطر خواهد افتاد. در معارف و حیانی نیز محوریت با قرآن است، لذا نظام‌سازی قرآنی، ضرورتی است که در این زمان بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. این تحقیق به دنبال نیل به فهم صحیح از نظام‌سازی قرآنی، متکی بر رویکردهایی است که تا به امروز از ناحیه خبرگان این حوزه اتخاذ شده است. مدعای نگارندگان آن است که چنانچه گفتمان صائب از نظام‌سازی در میان نخبگان علمی فراگیر نشود، انتظار از تحقق نظام‌سازی قرآنی غیر واقعی خواهد بود. این پژوهش با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، ابتدا متکفل جمع‌آوری داده‌های ناظر به رویکردهای مختلف نظام‌سازی شد. سپس بر مبنای رویکرد کیفی و برگزاری مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته از خبرگان حوزه نظام‌سازی، داده‌های اولیه را تکمیل و فضا را مهیا نموده تا بر اساس نظریه داده‌بنیاد و مبتنی بر رهیافت «استراوس» و «کوربین»، چارچوب مفهومی نظام‌سازی قرآنی استخراج شود. در مرحله بعد و به منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های الگوی مذکور متکی بر رویکرد کمی و با استفاده از تکنیک TOPSIS و نظرات مجدد خبرگان، اولویت‌بندی و اصلاح شد. در نهایت عرصه‌های مختلف نظام‌سازی به نظام‌پژوهی (نظام‌شناسی ناظر به تکوینیات، نظام‌یابی ناظر به تشریعیات و نظام‌سازی ناظر به اعتباریات) و نظام‌گزاری (ناظر به عرصه اجرا) تفکیک شده است.

واژگان کلیدی

نظام‌سازی، نظام‌سازی قرآنی، نظام‌پژوهی، نظام‌شناسی تکوینی، نظام‌یابی تشریعی،

نظام‌سازی اعتباری

* دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی دانشگاه امام صادق ۷.

** استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

«ریچارد بال»، مفهوم روشنی از جهت‌گیری رابطه‌ای نظریه عمومی نظام‌ها^۱ ارائه می‌دهد:

نظریه عمومی نظام‌ها، کارش را با مفهوم فرآیندی واقعیت آغاز می‌کند و واقعیت را به‌عنوان چیزی در نظر می‌گیرد که اساساً متشکل از روابط میان روابط است. نظریه عمومی نظام‌ها از جامعه‌شناسان می‌خواهد که منطق روابط را توسعه دهند و واقعیت اجتماعی را بر حسب مفاهیم رابطه‌ای مجسم سازند (ball, 1978, p.66).

مفهوم‌شناسی نظام‌سازی همیشه در طول منازعات و مجادلات علمی، محل مناقشه و معرکه آرا بوده است. شاید از مهمترین عللی که مناقشه بر سر این موضوع را موجه می‌نماید، عدم اشتراک مناقشه‌کنندگان بر سر تعریف نظام و بالطبع، مفهوم‌شناسی ترکیب نظام‌سازی است. این مناقشات، زمانی ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد که عدم اشتراک در مفهوم‌شناسی این واژه، در دو بستر معرفتی متعارض و در نگاهی خوش‌بینانه، متباین؛ یعنی اندیشه اسلامی و اندیشه غربی طرح گردد. این تباین در مبادی معرفتی یا همان پارادایم، سؤالات، پاسخ‌ها، اتجاهات، انتظارات و در یک کلام، نوع نگرش به نظام‌سازی را مشخص می‌کند.

قرآن کریم مجموعه‌ای فراگیر از اعتقادات، اخلاق و احکام در حوزه فردی و اجتماعی است که باید بطور یکجا مورد التزام قرار گیرد؛ التزام به بخشی و رهاکردن بخش‌های دیگر ذلت در دنیا و اشد مجازات اخروی را در پی دارد. آیات قرآن همچون پیکره واحد هستند و حذف برخی از آیات، حیات و کارایی لازم را از آن می‌گیرد. آیات الهی ارتباط سیستمی بسیار شدیدی با یکدیگر دارند که در نظر و عمل باید بدان توجه نمود و قرآن به‌هیچوجه گسستگی اجزا را نمی‌پذیرد (نقی پورفر، ۱۳۸۳، ص ۲۹-۲۷).

غرض اصلی قرآن هدایت است. این غرض به‌مثابه هسته مباحث است و ما نباید به‌غیر از این هدف به این کتاب رجوع کنیم که غرضی جز این باعث سرخوردگی

خواهد شد. خواننده منتظر آن نباشد که در این کتاب به اسرار انسان‌ها آگاه شود؛ چون قرآن تنها آن مقدار را که مربوط به هدایت بشر و ضلالت او و سعادت و شقاوتش می‌شود، بیان داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۶). پس یافتن نظام هدایتی در این کتاب عظیم، مبتنی بر نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، امری دست‌یافتنی و مقبول است.

در پژوهش حاضر ابتدا مفهوم‌شناسی نظام و نظام‌سازی از نظر لغوی و اصطلاحی بیان می‌شود و در بیان معنای اصطلاحی نظام‌سازی، نظر اندیشمندان اسلامی و اندیشمندان غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه روش پژوهش که روش آمیخته و ترکیب دو روش کیفی و کمی هست، توضیح داده می‌شود؛ بدین صورت که ابتدا بر اساس تئوری داده‌بنیاد که روشی کیفی در جمع‌آوری و تحلیل داده است، با تکیه بر ابزار مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته، مدلی از فرآیند نظام‌سازی استخراج شده و سپس این الگو مبتنی بر تکنیک «تاپسیس»^۲ که یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه^۳ است به رأی و نظردهی خبرگان گذاشته شده و مؤلف‌های آن اولویت‌بندی و رتبه‌بندی شد.

در پایان نیز بازخوانی مفهوم نظام‌سازی در قالب تفکیک نظام‌سازی به نظام‌پژوهی و نظام‌گذاری صورت پذیرفت. نظام‌پژوهی ناظر به نظام‌شناسی (تکوینیات)، نظام‌یابی (تشریعیات) و نظام‌سازی (اعتباریات) است و نظام‌گذاری ناظر به اجرایی و عملیاتی کردن نظام‌های ایجادشده است. در بخش پیشنهادها نیز پیشنهادهای منبع‌شناسانه، مبانی‌شناسانه، روش‌شناسانه در حوزه نظام‌سازی ارائه می‌شود.

بررسی ادبیات موضوع

در این قسمت بطور مختصر و موجز معنا و مفهوم نظام و نظام‌سازی توضیح داده می‌شود و در پایان نیز اشاره‌ای کوتاه به اهمیت نظام‌سازی قرآن‌بنیاد می‌شود. البته در این بخش مفهوم نظام‌سازی بیشتر ناظر به نظام‌سازی اجتماعی است و این پژوهش توجهی به نظام‌سازی در عرصه‌های علمی و فکری و ... ندارد. لذا بحث‌های ادبیات موضوع، ناظر به مفهوم نظام و نظام‌سازی اجتماعی است.

معنا و مفهوم نظام

برای فهم معنای نظام می‌بایست هم معنای لغوی و هم معنای اصطلاحی آن را دانست. ابتدا معنای لغوی نظام در کتب لغت بیان می‌شود و در ادامه معنای اصطلاحی نظام‌سازی از نگاه اندیشمندان اسلامی و غربی مطرح می‌شود.

الف) معنای لغوی نظام

آنچه که از بررسی اکثر کتب لغت معتبر؛ مانند «کتاب العین»، «تهذیب اللغه»، «المحیط فی اللغه»، «لسان العرب»، «مجمع البحرین»، «معجم مقاییس اللغه»، «قاموس المحيط» و «الصحاح» می‌توان در مورد معنای صحیح لغت نظام که از ریشه نظم گرفته شده است، به دست آورد، انضمام و همراه کردن چند چیز به یکدیگر است و مثال مشترکی که بیشتر این کتب آورده‌اند به این صورت است که وقتی دانه‌های تسبیح و یا مروارید و یا هر چیزی با ماهیت این گونه به رشته درمی‌آیند و با یکدیگر همراه می‌شوند، به این کار «انتظام» می‌گویند و به خروجی‌ای که از این عمل بدست می‌آید «نظام» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۵۷۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶؛ زبیدی، ۱۳۰۷ق، ج ۱۷، ص ۶۹۰؛ جوهری، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۲۰۴۱).

ب) معنای اصطلاحی نظام

در این قسمت مروری بر معنای اصطلاحی نظام و سیستم از نگاه اندیشمندان اسلامی و غربی انجام می‌شود تا درک و فهم صحیح‌تری نسبت به نظام و نظام‌سازی شکل بگیرد.

معنای اصطلاحی سیستم (نظام) در ادبیات غربی

تعاریف زیادی برای سیستم^۴ ارائه شده است.^۵ به عنوان مثال، «ایکاف» در تعریف سیستم می‌گوید:

سیستم مجموعه‌ای از دو یا چند عنصر^۶ است که سه شرط زیر را داشته باشد:

۱. هر عنصر سیستم بر رفتار و یا ویژگی‌های کل^۷ سیستم، مؤثر است.
۲. بین عناصر سیستم از نظر رفتاری و نوع تأثیر بر کل سیستم، وابستگی متقابل وجود دارد.
۳. هر زیرمجموعه‌ای از عناصر تشکیل شود، بر رفتار کل سیستم مؤثر است و این تأثیر بستگی به حداقل یک زیرمجموعه دیگر از سیستم دارد (Ackoff, 2000, p.146).

در جمع‌بندی تعاریف سیستم از نگاه اندیشمندان غربی می‌توان به تعریف ذیل که توسط «رضائیان» ارائه شده است، اشاره کرد: «سیستم، مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند» (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

معنای اصطلاحی نظام در نگاه اندیشمندان اسلامی

در دهه‌های اخیر، اندیشمندان مختلف اسلامی که در حوزه نظام‌سازی صاحب‌نظر هستند نیز تعاریفی از مفهوم نظام بیان کرده‌اند.^۸ مقام معظم رهبری در مورد امر نظام‌سازی در جمهوری اسلامی بیان می‌کنند:

نکته دومی که در این زمینه عرض می‌کنیم، این است که نظام‌سازی - که گفتیم امام بزرگوار ما بر اساس مبانی فقهی، نظام‌سازی کرد - یک امر دفعی و یکباره نیست، معنایش این نیست که ما یک نظامی را بر اساس فقه کشف کردیم و استدلال کردیم و این را گذاشتیم وسط و این تمام شد، نه، اینجوری نیست. نظام‌سازی یک امر جاری است، روزه‌روز بایستی تکمیل شود، تمیم شود. ممکن است یک جایی اشتباه کرده باشیم، اما مهم این است که ما بر اساس این اشتباه، خودمان را تصحیح کنیم، خودمان را اصلاح کنیم، این جزو متمم نظام‌سازی است، نه اینکه گذشته را خراب کنیم. اینکه ما می‌گوییم نظام‌سازی جریان دارد، معنایش این نیست که هر چه را ساختیم و بنا کردیم، خراب کنیم، قانون اساسی مان را خراب کنیم، نظام حکومتی و

دولتی مان را ضایع کنیم، نه، آنچه را که ساختیم، حفظ کنیم، نواقصش را برطرف کنیم، آن را تکمیل کنیم. این کار، یک کار لازمی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

همچنین «شهید صدر» بیان می‌دارد که اسلام در ورای احکام، دارای یک نظام بنیادی است که «مکتب» اجتماعی اسلام است (صدر، ۱۳۷۵، ص ۲۱۰). از نگاه شهید صدر، اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مذهب و مکتب اجتماعی است که گاهی از آن به نظام اجتماعی تعبیر می‌شود (صدر، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۰). ایشان بیان می‌کنند که مکتب [نظام] اجتماعی منظومه‌ای است که زیربنای احکام اجتماعی است. غیر از این احکام، لایه‌های دیگری از نظریات و قواعد عمومی قابل استناد به شریعت وجود دارد که دارای نظم و نسق و انتظام خاصی بوده و قطعات یک پازل و جورچین بشمار می‌روند؛ بطوری که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه سیاست، فرهنگ یا... را شکل می‌دهند و با سایر نظامات اجتماعی اسلام هم ارتباط برقرار می‌کنند (همان، ص ۲۵۴).

بین اصطلاح «نظام»، با آن چیزی که پیش از این، با عنوان «سیستم» از آن یاد شده است، تفاوت وجود دارد و اصولاً این دو از یک سنخ نیستند. البته محقق در این پژوهش نظام را همان سیستم تلقی می‌کند که عبارت است از مجموعه‌ای از اجزا و عناصر که در راستای تحقق هدف یا اهداف خود، بطور هماهنگ با یکدیگر تعامل می‌کنند. لذا در بحث نظام، چند مؤلفه اساسی قائل است که عبارتند از هدف نظام، اجزای نظام، ماهیت الگوی تعامل (کنش) عناصر (کنشگران فعال) نظام، کیفیت استخدام وسایل تحقق اهداف نظام توسط عناصر نظام، ارزش‌ها و هنجارهای اجزای نظام، شرایط و مقتضیات محیطی نظام، کارکرد اساسی نظام.

در جمع‌بندی می‌توان نظام‌سازی را ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار بین روابط میان اجزای یک مجموعه که باعث ایجاد کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به سوی هدف می‌شود دانست. همچنین می‌توان نظام‌سازی را بدست‌آوردن عناصر پویای دین در ساحت‌های مختلف و عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی انسان دانست که موجب پاسخ‌گویی و هماهنگی اسلام با تغییرات زمانه می‌شود.

روش پژوهش

محققین در پژوهش حاضر از روش تحقیق آمیخته^۹ بهره خواهند برد. روش تحقیق آمیخته متکی بر چالش اصلی دو رویکرد کمی گرا و کیفی گرا است (Creswell & Plano, 2007, p.12; Tashakkori & Teddlie, 2003, p.1026).

در بخش کیفی با بررسی ادبیات موضوع و منابع علمی مرتبط با بحث نظام‌سازی و همچنین مشورت با اساتید و خبرگان حوزه نظام‌سازی و استماع نظراتشان، سؤالات مصاحبه استخراج شدند. بعد از آن با شناسایی و نمونه‌گیری از خبرگان، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت و با روش تحلیل داده‌بنیاد، کدگذاری‌های مرتبط انجام شد. در مرحله کمی نیز با بهره‌گیری از تکنیک تاپسیس، نظرات و مؤلفه‌های بدست‌آمده در مرحله کیفی، اولویت‌بندی شدند.

در تحقیق حاضر مبتنی بر پارادایم پژوهش آمیخته، طرح متوالی - اکتشافی، ابتدا بر اساس رهیافت کیفی، نظریه داده‌بنیاد اتخاذ شده و سپس جهت رتبه‌بندی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های الگوی مستخرج از مطالعات و تحلیل‌های کیفی، رهیافت کمی و روش تاپسیس مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در رهیافت کیفی، جمع‌آوری داده‌ها با ابزار مصاحبه و از خبرگان حوزه نظام‌سازی صورت گرفت. تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر روش داده‌بنیاد انجام شد. نتیجه استفاده از استراتژی داده‌بنیاد، مدلی از نظام‌سازی قرآنی خواهد بود. مؤلفه‌های الگوی نظام‌سازی قرآنی مبتنی بر رهیافت کمی بر اساس روش TOPSIS اولویت‌بندی شد؛ به این صورت که محقق از طریق ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری داده پرداخته و با استفاده از نرم‌افزار TOPSIS، داده‌های جمع‌آوری‌شده را تحلیل نمود. در ادامه توضیح اختصاری از روش داده‌بنیاد و روش تاپسیس ارائه می‌شود.

روش کیفی نظریه داده‌بنیاد

مطابق تعریفی که «کرسول» از نظریه داده‌بنیاد ارائه می‌دهد، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، روالی نظام‌مند و کیفی جهت تولید نظریه‌ای است که یک فرآیند، کنش یا برهم‌کنش را درباره یک موضوع خرد واقعی در سطح مفهومی کلی تشریح کند (Creswell, 2005, p.396).

سه رهیافت از نظریه داده‌بنیاد وجود دارد که ثمره اختلافی است که میان واضعین این استراتژی رخ داد که این رهیافت‌های سه‌گانه عبارتند از رهیافت نظام‌مند،^{۱۰} رهیافت ظاهرشونده^{۱۱} و رهیافت ساخت‌گرا.^{۱۲} ما در این پژوهش از رهیافت نظام‌مند استفاده کرده‌ایم که بن‌مایه‌گزینش آن، روش‌مندی در عین‌ابتنای بر دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان و نیز اختتام آن به مجموعه‌ای از قضایاست (Strauss & Corbin, 1998, p.52).

در رویکرد نظام‌مند، نظریه داده‌بنیاد آنچه در کدگذاری محوری رخ می‌دهد، نموداری از روابط میان مقوله‌ها را بدست محقق می‌دهد؛ بدین صورت که پژوهشگر یک مقوله کدگذاری باز را به‌عنوان مقوله یا پدیده اصلی انتخاب می‌کند و در مرکز فرآیند مورد بررسی قرار می‌دهد، سپس سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌کند. ماهیت مقوله‌های فوق به شرح ذیل است: مقوله محوری^{۱۳} (صورت ذهنی حاصل از پدیده‌ای که اساس فرآیند است). شرایط علی^{۱۴} (مقوله‌های مربوط به شرایطی است که بر مقوله محوری اثرگذار است). شرایط زمینه‌ای^{۱۵} (مقتضیات یا عوامل زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها اثرگذار است). شرایط مداخله‌گر^{۱۶} (موانعی که مانع تحقق راهبردها هستند). راهبردها^{۱۷} (کنش‌ها یا برهم‌کنش‌هایی که از پدیده اصلی منتج می‌شوند). پیامدها^{۱۸} (خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها) (بازرگان، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).

روش کمی؛ روش TOPSIS

واژه TOPSIS مخفف Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution به معنای روش‌های ترجیح براساس مشابهت به راه حل ایده‌آل است. این مدل توسط «هوانگ» و «یون» در سال ۱۹۸۱ میلادی پیشنهاد شد. در این روش «m» گزینه بوسیله «n» شاخص ارزیابی می‌شود. منطق اصولی این مدل راه حل ایده‌آل (مثبت) و راه حل ایده‌آل منفی را تعریف می‌کند. راه حل ایده‌آل (مثبت) راه حلی است که معیار سود را افزایش و معیار هزینه را کاهش می‌دهد. گزینه بهینه، گزینه‌ای است که کمترین فاصله از راه حل ایده‌آل و در عین حال دورترین فاصله از راه حل ایده‌آل منفی دارد. به

عبارتی در رتبه‌بندی گزینه‌ها به روش TOPSIS گزینه‌هایی که بیشترین تشابه را با راه حل ایده آل داشته باشند، رتبه بالاتری کسب می‌کنند (آذر و رجب زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۶۱).

مراحل انجام تحقیق جهت دستیابی به یافته‌ها

ابتدا به صورت موجز و مختصر مراحل طی شده در تحقیق برای نیل به اهداف مطرح می‌شود و در ادامه به صورت تفصیلی یافته‌های پژوهش ارائه می‌شوند.

مرحله اول: گردآوری داده‌ها

مراحل مختلف طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش به شرح ذیل است:

الف) طراحی سؤالات مصاحبه

متن مصاحبه مشتمل بر مقدمه‌ای است که مبین موضوع پژوهش و تعاریف اجزای مهم پژوهش می‌باشد و همچنین برخوردار از سؤالاتی است که مفهوم نظام، نظام‌سازی و نظام‌سازی قرآنی، ضرورت نظام‌سازی، الگوی مطلوب و روش کشف نظام قرآنی، اقسام خرده‌نظام‌های قرآنی، نقشه راه نظام‌سازی قرآنی، ابعاد و مؤلفه‌های دخیل در ایجاد مدل نظام مطلوب را مورد پرسش قرار داد.

ب) نمونه‌گیری و انتخاب افراد جهت انجام مصاحبه

بر اساس رویکرد کیفی در جمع‌آوری داده‌ها، محققان مبتنی بر ابزار مصاحبه و با اتکا به نمونه‌گیری نظری به سراغ اندیشمندانی رفتند که در حوزه نظام‌سازی (بطور مطلق و همینطور نظام‌سازی قرآنی) صاحب‌نظر و تألیف بوده باشند. در نمونه‌گیری نظری، از نمونه‌هایی مصاحبه به عمل آمد که از لحاظ هدف‌های پژوهش، دارای اطلاعات غنی بودند. این افراد در مطالعات اولیه‌ای که محققان این طرح داشتند، بطور اجمالی شناسایی شده و از ناحیه ایشان، اگر احیاناً افراد دیگری نیز لازم بود که مورد مصاحبه قرار بگیرند، مبتنی بر روش گلوله‌برفی معرفی شدند.

ویژگی‌های افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، عبارت بود از صاحب‌نظر در حوزه

نظام‌سازی، صاحب‌تألیف در حوزه نظام‌سازی، جامع مطالعات میان‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم انسانی، برخوردار از سابقه ارائه نظریه در حوزه نظام‌سازی در مجامع علمی.

ج) اجرای مصاحبه

مصاحبه‌شوندگان مبتنی بر ارتباطات حضوری، نامه‌نگارانه، تلفنی و ایمیلی در جریان محتوای تحقیق و سؤالات مصاحبه قرار گرفتند و حدود سی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق انجام شد.

آنچه در روش داده‌بنیاد در مقام گردآوری داده‌ها رخ می‌دهد، آغاز حرکت متکی بر یک نظریه متقح و موجود نیست، بلکه یک حوزه مطالعاتی است که دامنه و جهت گردآوری داده‌ها را مشخص می‌کند. در راستای دستیابی به اشباع و اقناع تئوریک، محققان این طرح از مصاحبه‌های بیستم به بعد دریافتند که مطلب جدیدی به دانش ایشان از نظام‌سازی قرآنی اضافه نمی‌شود.

مرحله دوم: تعیین و تبیین موضوع تحقیق

بخشی از سؤالات مصاحبه‌ناظر به تبیین ماهیت نظام‌سازی قرآنی سامان یافت و بالطبع، وقت معتناهی از جلسات مصاحبه نیز به همین امر اختصاص یافت. بعد از آنکه ماهیت نظام‌سازی قرآنی بر نگارندگان مکشوف شد، بر این اساس نظام‌سازی قرآنی ناظر به دو ساحت مورد توجه قرار گرفت: ۱. ساحت فطریات و طبیعیات و ۲. ساحت اعتباریات.

مرحله سوم: کدگذاری بازال جامع علوم انسانی

یافته‌های این تحقیق مبتنی بر روش داده‌بنیاد و رویکرد نظام‌مند تکون یافته است. ابتدا به تمام گزاره‌های مهم و اساسی که در مصاحبه‌ها پدید آمده و توسط نگارندگان انتخاب شده بود برچسبی داده شد که این برچسب گویای محتوای کلی آن گزاره مفهومی بود. این برچسب‌زنی باید به گونه‌ای اتفاق افتد که به مجرد رجوع مخاطب و کدها، ابعاد هر گزاره مفهومی برای وی عیان گردد.

مرحله چهارم: کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری که به پارادایم مشهور است و از مبادی، وسائط و نتایج سخن می‌گوید یک مقوله کدگذاری باز به‌عنوان مقوله محوری تعیین و پدیده مرکزی تلقی می‌شود و دیگر مقوله‌ها (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) در ارتباط با آن نمایش داده می‌شوند.

مرحله پنجم: کدگذاری انتخابی

در این مرحله مفاهیم و مؤلفه‌ها با یک گام دیگر پالایش، استحکام بیشتری یافته و نسبت منطقی‌تری با یکدیگر خواهند یافت. در این مرحله از کدگذاری، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، یک نظریه از روابط فیما بین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش درمی‌آورد. در یک سطح اصلی، این نظریه، شرحی انتزاعی برای فرآیندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهد.

بر اساس مراحل پنجگانه فوق ابتدا متون مصاحبه‌ها به گزاره‌های قابل استفاده و در جهت هدف تحقیق تفکیک شد. سپس در قالب فرآیند کدگذاری باز مفاهیم انتزاعی به گزاره‌های تفکیک‌شده اسناد داده شد و آن مفاهیم نیز در قالب مقوله‌های کلان‌تر قرار گرفت. نوبت به کدگذاری محوری که شد، ابتدا مقوله محوری تعیین گشت و سپس تلاش شد سایر مقوله‌ها در قالب الگوی کدگذاری محوری درون عناصر مختلف الگو؛ اعم از راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، شرایط علی و پیامدها جایگذاری شود.

نظام‌سازی قرآن‌بنیاد

در ادامه بطور مختصر مؤلفه‌ها و عناصر الگوی نظام‌سازی قرآنی بر اساس رهیافت نظام‌مند مطرح می‌شوند.

مقوله محوری نظام‌سازی قرآنی

پدیده‌ای که اساس فرآیند نظام‌سازی است، انسان است و کمال‌یافتگی نیز صورت ذهنی و ادراک اعتباری است که از او ایجاد شده است. «علامه طباطبایی» هم قبول

ایجاد اجتماع و هم پذیرش عدالت اجتماعی توسط انسان را که نافی آزادی مطلق او نیز هست، از باب اضطرار می‌داند و نه مقتضای طبیعت انسان؛ چراکه اگر چنین بود این همه ظلم و نقض حقوق بشری اتفاق نمی‌افتاد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۵). اما اینکه چه علتی به عنوان مبنای این اضطرار بوده است، می‌توان گفت که علت اضطرار انسان به ایجاد اجتماع، تأمین جمعی نیازهایی است که به صورت فردی قابل رفع نیستند و همینطور تأمین نیازهایی است که از آنها به عنوان نیازهای اجتماعی می‌توان نام برد. با توضیحی که داده شد و با مراجعه به مصاحبه‌های انجام شده، کارکرد نظام؛ یعنی اثر بلندمدتی که نظام‌سازی در مقام رفع نیاز یا نیازهای اجتماعی بر جای می‌گذارد را می‌توان «تربیت انسان کامل» و رشد و تعالی او دانست که برخوردار از سه شاخص ذیل است: ۱. رشد و تعالی دینی (برنامه‌ای)، ۲. رشد و تعالی ایمانی مؤمنان، ۳. رشد و تعالی اجتماعی.

شرایط علی نظام‌سازی قرآنی

تشخیص و تبیین شرایط علی با شناسایی مؤلفه‌های مبادی قریبه، وسیطه و بعیده (هسته سخت یا پارادایم) تحقق خواهد یافت. جهت احداث نظام (نظام‌سازی) یا اصلاح نظام (بازنظام‌سازی) در زمان بحران، ضروری است که هسته سخت یا پارادایم یا چارچوب گفتمانی یا مبادی نظام، شناسایی و در صورت نیاز، اصلاح گردد. توضیح آنکه اگر یک نظام اجتماعی مشکل داشت تا جای ممکن، لازم است حلقه تئوریکی که گرداگرد هسته سخت آن نظام را فرا گرفته است، مورد بررسی و چالش قرار داد، اگر نتیجه بررسی و اصلاح، کل نظام را کارآمد نمود، دیگر لازم نیست که متعرض هسته سخت نظام شد، لکن اگر هنوز ناکارآمدی در نظام وجود داشت، ضروری است که هسته سخت نظام را تصحیح کرد. اما در مقام احداث نظام (اگر فرض ساخت نظام را بپذیریم) و یا کشف نظام (اگر فرض استکشاف نظام را بپذیریم) نیز مبادی آن باید به‌درستی منقح گردد. این معنا اهمیت علی مبادی سه‌گانه را در تحقق نظام نشان می‌دهد.

جهت اینکه مبادی نظام به مثابه علت تحقق رشد و تعالی تلقی شود، آن است که نگارندگان اعتقاد دارند رشد و تعالی در نظام اجتماعی رخ نخواهد داد، مگر از رهگذر نظام‌سازی و ساخت نظام (خواه این مهم با رویکرد مسأله‌محوری (سیر از پایین به بالا) تحقق یابد و خواه با رویکرد مبانی‌محوری (سیر از بالا به پایین) و نظام‌سازی الا و لابد با اصلاح مبادی سه‌گانه نظام رخ خواهد داد؛ چرا که نظام مسائل اسلامی نیز مستفاد از مبادی اسلامی خواهد بود. توضیح آنکه جهت نظام‌سازی می‌توان با نگاهی کلان و در بدو امر به تنفیج مبادی پرداخت و نظام را بر مبادی سوار کرد و از طرفی دیگر می‌توان متکی بر نظام مسائل به کشف نظام و سپس استخراج مبادی آن اهتمام نمود.

مبادی سه‌گانه هر نظام، معارف، اخلاقیات و قوانین هستند. اگر «کلان‌زندگی به‌عنوان عرصه نظام‌سازی» را موضوع بررسی کاربردی قرار دهیم، سه لایه فوق به‌صورت سه نظام زیر جلوه‌گر می‌شوند:

۱. نظام فکری (تبیین نگرش لازم به انسان، جهان، جامعه و زندگی).
۲. نظام فرهنگی و اخلاقی (تبیین روش‌ها، ابزارها و زمینه‌های لازم برای حرکت به‌سوی هدف زندگی).
۳. نظام قانونی (تبیین حدود مرزهای لازم و جهت‌گیری‌های اصلی برای یک زندگی مطلوب).

راهبرد نظام‌سازی قرآنی

راهبرد، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی است که جهت تحقق پدیده‌محوری صورت می‌پذیرد. در این مقاله، راهبرد، همان نظام‌سازی تلقی شده است. مفاهیمی که از راهبرد منتزع هستند عبارتند از:

ماهیت نظام و نظام‌سازی قرآنی؛ در این بخش از ماهیت (چیستی) نظام و نظام‌سازی سخن گفته خواهد شد. اینکه نظام، مفهومی صرفاً ذهنی است یا امکان تطابق با مصداق خارجی خود را داراست؟ نظام، مفهوم ثانویه فلسفی است یا از سنخ

اعتباریات (اعتبار خاص) است؟ بطور خلاصه می‌توان بیان کرد که نظام، ساختاری ذهنی و اعتباری از قواعد و نهادهای مختص به اجزایی است که با ابتدای بر مبنای وضع شده و با حدوث رفتارهایی که در چارچوب خود مورد پذیرش قرار می‌دهد، جهت تحقق اهدافش (دوای اش) در عالم خارج اثرگذار است.

اجزای نظام قرآنی؛ در شناخت اجزای نظام لازم است از یکسو به کشف اراده خداوند در حوزه تشریح توجه نمود و از سوی دیگر، به ساختاری که انسان‌ها اعتبار می‌کنند تا بر طبق اراده خداوند عمل کنند، اعتنا کرد. اجزای نظام را می‌توان موارد ذیل برشمرد: اراده خداوند، جایگاه ولی خدا، وضعیت موجود مردم جامعه، خصوصیات جامعه ایمانی، نهادهای مردمی و دولت و ساختار درون انسانها (روحیات و شخصیت انسانها).

ساحات نظام‌سازی قرآنی؛ بر اساس این اعتبارات مختلفی که از نظام‌سازی در میان اندیشه‌ورزان این حوزه صورت گرفته است، می‌توان از رویکرد اول نظام‌سازی اینگونه نام برد:

توصیفی؛ به معنای امکان‌سنجی نظام‌سازی، مطالعه دستاوردهای دیگران در نظام‌سازی و موضوع شناخت واقع‌شدن نظام.

هنجاری یا توصیه‌ای؛ به معنای کیفیت تحقق نظام‌سازی، مبانی و نیازها در نظام‌سازی و حکم شناخت واقع‌شدن نظام.

اما ساحت دیگری از نظام‌سازی نیز وجود دارد که ناظر به دو بعد ثبوتی و اثباتی این امر است. گاهی بر مبنای ایده آل‌ها، مطلوبیت‌ها، شمولیت‌ها و ثابتات، سخن از ایجاد نظام می‌رود، لکن گاهی بر مبنای واقعیات، ظرفیت‌ها، زمینه‌ها و متغیرات از ایجاد نظام بحث می‌شود. هر کدام از این افاق‌ها، سنخی و جنسی خاص از نظام‌سازی را در مقابل انسان قرار می‌دهد و قاعدتاً راهبردهای مختلفی را نیز جهت تحقق، طلب می‌کند. بنابراین، رویکرد دوم نظام‌سازی عبارت است از:

انتزاعی؛ در مقام ثبوت (نظام ایده آل) و ناظر به بعد تدوین (تبیین ایده آل‌ها در قالب احکام نبوتی یا مکتب) و ثابتات الگوهای رفتاری (بینش و ارزش).

انضمامی؛ در مقام اثبات (تکاملی و در نسبت ظرف اجتماع) و ناظر به بعد اجرا

(توجه به اقتضانات زمان و مکان در قالب احکام امامتی و نظام که تعیین مکتب است) و متغیرات الگوهای رفتاری (شکل الگو که مستفاد از عقل، عرف و سیره عقلاست). محور نظام‌سازی قرآنی؛ محور نظام و نظام‌سازی را می‌توان مواردی همچون نیاز انسان، بستر فرهنگ و ساختار ولایت دانست.

ویژگی‌های نظام‌سازی قرآنی؛ نظام‌سازی، حقیقتی پویا و تکلیف‌گراست. لذا در نظام مبتنی بر ولایت فقیه، متکی بر قید اطلاق، ولایت فقیه قابل تحلیل است و صد البته که اقتضای تکلیف‌گرایی پویایی و انعطاف نسبت به شرایط و عدم جزمیت بر یک مسیر واحد یا یک تاکتیک مشخص است. امر نظام‌سازی در نسبت بعد زمان، برخوردار از جاودانگی و در نسبت بعد مکان، برخوردار از جهان‌شمولی و در نسبت ابعاد و وجوه، کاملاً جامعیت دارد. نظام‌سازی، پدیده‌ای کارکردی و در نسبت نیاز است و همین ویژگی است که خصیصه رشددهندگی را نیز بدان اضافه می‌کند.

مؤلفه‌های زمینه‌ساز (مقتضی) نظام‌سازی قرآنی

مؤلفه‌های زمینه‌ساز نقش مقتضی را برای تحقق موجود ایفا می‌نمایند. فرآیند نظام‌سازی نیز مبتنی بر مقتضیاتی تحقق می‌یابد. یکی از مهمترین مقتضیات تحقق نظام‌سازی، تفکیک عناصر عام و جهان‌شمول دینی از عناصر خاص و موقعیتی آن است که از قضا دین را همین انفکاک، از شریعت ممتاز می‌کند. برخی دیگر از مؤلفه‌های زمینه‌ساز، نظام‌سازی قرآنی، شناسایی حقوق طبیعی (نیازهای طبیعی)، اجتهاد پویا (تفقه اجتماعی)، نیازسنجی، توجه به انسان و گرایش‌های طبیعی انسان است.

مؤلفه‌های مداخله‌گر (موانع) نظام‌سازی قرآنی

اگرچه شرایط مداخله‌گر را شرایط زمینه‌ای عمومی می‌دانند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، لکن در نگاهی صحیح‌تر می‌توان شرایط مداخله‌گر را موانع تحقق راهبردها دانست. موانعی که برای تحقق راهبرد نظام‌سازی از جانب مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شوند، فقدان حجیت در نظام‌سازی، عدم تطابق قضایای اولیه و پایه، وجود تعارض

(خواه مبدأ تعارض جهل باشد یا هوی و هوس)، عدم توجه به مقتضیات زمان، مکان و شرایط، عدم جامعیت در مواجهه با پدیده‌ها، ساختار ذهنی نامطلوب در قبال حقایق، فقدان عزم عملی مشروع‌سازی هستند.

پیامدهای نظام‌سازی قرآنی

در ادبیات ارزیابی بطور معمول سه واژه را از یکدیگر جدا کرده و برای هر یک مفهوم مشخصی قائلند، این سه واژه عبارتند از «خروجی»،^{۱۹} «رهاورد»^{۲۰} و «اثر»^{۲۱} (penna, 2011, p.142). از آنجاکه کارکرد نظام را مجموعه فعالیت‌هایی است که جهت برآوردن نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد، لذا مقوله محوری در کدگذاری محوری، کارکرد یا اثر نظام خواهیم دانست.

نتایج و خروجی‌هایی که از فرآیند نظام‌سازی حاصل می‌شوند، در قالب موارد زیر قرار می‌گیرند که عبارتند از:

۱. تدوین قوانین.
 ۲. اجرای تکالیف (قوانین).
 ۳. ارزیابی میزان تحقق اهداف متعین.
- اما غیر از نتایج، پیامدهای دیگری نیز بر فرآیند نظام‌سازی بار می‌شود که به نام رهاوردها شناخته می‌شوند. رهاورد فرآیند نظام‌سازی، کارآمدسازی نظام است.

اولویت‌بندی مؤلفه‌های الگو با استفاده از روش TOPSIS

پس از بکارگیری روش داده‌بنیاد و رویکرد نظام‌مند «استراوس» و «کوربین»، مدل اولیه نظام‌سازی قرآن‌بنیاد ارائه شد و سپس مدل کشف‌شده به صورت پرسشنامه طراحی و در اختیار ۱۵ نفر از خبرگان قرار گرفت و مؤلفه‌های آن از نظر خبرگان سنجیده شد و اعتبار و اولویت آنها مشخص گردید.

با توجه به روش TOPSIS در گام چهارم جدول ایده آل مثبت و ایده آل منفی، نظرات خبرگان تهیه شد. در ادامه اولویت مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی نظام‌سازی قرآنی از منظر خبرگان مشخص شد. در این مرحله گزینه‌ها بر اساس مقدار CL

رتبه‌بندی می‌شوند. به عبارتی هر گزینه‌ای که CL بالاتری داشته باشد، رتبه بهتری کسب خواهد کرد. با نظرسنجی از خبرگان در مورد مؤلفه‌های الگوی نظام‌سازی قرآنی، مؤلفه‌های زیر در هریک از شاخص‌ها دارای بیشترین اولویت از منظر متخصصان هستند:

۱. اراده خداوند.
 ۲. نهادسازی.
 ۳. ابدیت و احساس حضور خدا.
 ۴. پویایی.
 ۵. رشددهندگی.
 ۶. رشد و تعالی اجتماعی.
 ۷. اعتقادات.
 ۸. احیای نهادهای دینی و تمدنی.
 ۹. فراموشی انسان و شؤونات او به‌عنوان جامعه هدف نظام‌سازی.
- همچنین مؤلفه‌ها و شاخص‌های ذیل نیز از منظر خبرگان اعتبار و روایی^{۲۲} لازم بمنظور قرارگرفتن در الگوی نظام‌سازی قرآنی را دارا نمی‌باشد:
۱. فهم منطقی ربط نظام‌ها.
 ۲. نظام‌شناسی.
 ۳. عدم تطابق قضایای اولیه و پایه.
 ۴. وجود تعارض (خواه مبدأ تعارض جهل باشد یا هوی و هوس).
 ۵. فهم‌شناسی.
 ۶. بازخوانی تمدن در کشورهای اسلامی بر اساس نظامات غربی.

نتیجه‌گیری

نظام‌سازی ناظر به دو ساحت تکوینیات، فطریات و طبیعیات از یکسو و اعتباریات و تشریعیات، از سوی دیگر قابل تقسیم است. آنچه بر حوزه اول باید نام گذارد،

نظام‌شناسی است و آنچه در حوزه دوم باید نام نهاد به یک اعتبار، نظام‌یابی است. آنجا که به کشف نظام از منابع دینی (ادله دینی چون قرآن و سنت) اهتمام می‌شود و به اعتبار دیگر، نظام‌سازی است، آنجا که در منطقه‌الفراغ به دنبال مدل مطلوب نظام در اندیشه و اعتبارات بشری است.

بر اساس آنچه گفته شد، باید تأکید نمود که عینیت نظام در عالم خارج را می‌توان تحت عنوان نظام‌گزاری و نه نظام‌سازی بیان کرد. اما نظام‌سازی قرآنی نیز مبتنی بر تفکیکی که صورت گرفت، قابل تعریف است. نظام‌پژوهی قرآنی شامل نظام‌شناسی قرآنی، نظام‌یابی قرآنی و نظام‌سازی قرآنی می‌شود که ناظر به عرصه نظری و مفاهیم است و نظام‌گزاری ناظر به عرصه اجرایی و عملیاتی و تحقق نظام در عالم عین (خارج) است.

نظام‌شناسی قرآنی ناظر به شناخت قوانین تکوینی الهی است و علم به قوانین تکوینی، از منابع مختلف قابل برداشت است که یکی از منابع اصلی، قرآن مجید است؛ ضمن آنکه ابزار تحصیل علم نیز مطالعه آیات تدوین، مشاهده مخلوقات، تدبر در آیات کتاب تدوین و تکوین و ... است.

نظام‌یابی قرآنی ناظر به کشف قوانین تشریحی است که حدود حرام و حلال الهی مشخص است. روش تحصیل علم در این مقام، اجتهاد است که یکی از منابع سه‌گانه آن، قرآن مجید است.

نظام‌سازی قرآنی ناظر به اعتباریات در حوزه غیر فطریات و غیر طبیعیات است. نظام آنچه در ساحت تکوین در طبیعت و فطرت مخلوقات به ودیعت گذارده شده در رویکرد نظام‌شناسی قابل تحقیق و تدقیق است، لکن آدمی مبتنی بر احساسات و دواعی خود و جهت رفع نیاز، دست به اعتباراتی نیز در منطقه مباحات که منطقه فراغت تفکرات و تأملات و کنش‌گری‌هاست می‌زند که در این منطقه، ضرورت ساخت و ایجاد نظام همگن و هم‌ساز کاملاً روشن است. جایگاه قرآن در ساحت نظام‌سازی کمک به تعیین نیازها و اضطرارها، تفکیک حقایق از اعتباریات و تأکید بر حقایق، جهت ایجاد شناخت درست آدمی از ساحت تکوین است.

نظام‌گذاری، ناظر به اجرای نظام‌های ساخته‌شده است. با رجوع در جوانب سه‌گانه نظام‌پژوهی و سهم هر یک در نظام‌گذاری باید گفت نظام‌شناسی هیچ سهم مستقیمی در نظام‌گذاری ندارد جز آنکه حقایق لازم برای اعتبار را در خدمت نظام‌سازی قرار دهد. نظام‌یابی در مقام تعیین حدود و چهارچوب‌های نظام‌سازی و کیفیت نظام‌گذاری (اجرای نظام در مقام عمل) نقش اساسی دارد. اما محمل اصلی نظام‌گذاری، نظام‌سازی است که به حوزه اعتباریات و نسبتی که این اعتبارات با نیازها و آثاری که از آنها مورد انتظار است بر می‌گردد. بدین جهت کمک شایانی را در اجرای نظام (نظام‌گذاری) می‌توان از قرآن مجید؛ همچون تعیین ملاکات، شواخص و مختصات جامعه هدف، ارائه الگوهای مطلوب اجرای نظام در طول تاریخ انبیا و معرفی اجزای سه‌گانه نظام؛ اعم از رهبر، جامعه ایمانی، جامعه جاهلی و فرآیند گذار از جامعه جاهلی به ایمانی توقع نمود.

برخی از پیشنهادات روش‌شناسانه در حوزه نظام‌سازی برای پژوهش‌های حوزه نظام‌سازی عبارتند از:

۱. شناسایی روش‌های مختلف تفسیری و ظرفیت‌سنجی این روش‌ها بمنظور بهره‌گیری در نظام‌سازی قرآنی.
 ۲. استخراج نظام مسائل صحیح در حوزه‌های مختلف و عرصه‌های علوم اجتماعی و نظام‌های اجتماعی و رجوع به قرآن بر اساس این نظام مسائل.
 ۳. برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی بمنظور ارائه نظریات مختلف در حوزه نظام‌سازی قرآنی و تنقیح و تدقیق و واکاوی آن نظریات توسط علما و صاحب‌نظران.
 ۴. ضرورت طراحی تیم‌های پژوهشی برای انجام طرح‌های پژوهشی بلندمدت ده‌ساله بمنظور استخراج مفاهیم، خرده‌نظام‌ها و نظام‌های قرآنی.
 ۵. لزوم تمرکز پژوهشی بر روی یکی از خرده‌نظام‌ها و استخراج آن خرده‌نظام‌ها از قرآن و قرارداد آن به‌صورت پایلوت برای کشف دیگر نظام‌های قرآنی.
- پیشنهادات مسأله‌شناسانه در حوزه نظام‌سازی عبارتند از:
۱. ضرورت برنامه‌ریزی برای ارتباط و تعامل بیش از پیش حوزویان و دانشگاهیان

بمنظور فهم صحیح موضوع شناسی و مسأله شناسی به عنوان مقدمه لازم برای نظام سازی در عرصه های مختلف اجتماع.

۲. ضرورت تعامل با دستگاه ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی بمنظور شناسایی نیازهای پژوهشی دینی آنان و لزوم طراحی پروژه های پژوهشی برای یافتن پرسش های آن دستگاه ها از قرآن و منابع دینی.

پیشنهادات مبانی شناسانه در حوزه نظام سازی نیز عبارتند از:

۱. لزوم استخراج مبانی علوم انسانی از قرآن به عنوان مقدمه لازم برای بحث نظام سازی قرآنی.

۲. کشف اصول نظام به عنوان مبنا و مقدمه ای برای طراحی و ساخت نظام های قرآنی در جامعه.

۳. فهم دقیق فلسفه علوم اجتماعی به عنوان ساحت و زیربنای اصلی بحث نظام سازی در حوزه های اجتماعی.

یادداشت ها

1. General system theory.

2. TOPSIS.

3. MADM.

4. system.

۵. برای نمونه می توان به این تعاریف اشاره کرد:

«شبی» بیان می کند که سیستم، مجموعه ای است از متغیرها که بوسیله یک ناظر انتخاب شده اند. این متغیرها ممکن است اجزای یک ماشین پیچیده، یک ارگانیسم یا یک مؤسسه اجتماعی باشند. طبق تعریف فوق که توسط اشبی در سال 1960 ارائه شده، سه موضوع متفاوت وجود دارد:

۱. یک واقعیت (شیء مشاهده شده) = Machine.

۲. یک برداشت (درک) از واقعیت = System.

۳. یک بیان (نمایش) از برداشت صورت گرفته = Model

(R, ashby, *Stability and adaptation. Organizations: Systems, Control and Adaptation*, P.125).

«دال» نیز می‌گوید هر مجموعه از عناصری که بتواند به نحوی بطور متداخل با یکدیگر عمل کند، به صورت سیستم نگریسته شود. کهکشانشان‌ها، قوه‌های مقننه و احزاب سیاسی هر کدام یک سیستم هستند (R, A, Dahl, *A Democratic Dilemma: System Effectiveness versus Citizen Participati*, p.27).

«تالکوت پارسونز» از پیشروان جامعه‌شناسی آمریکا، برای سیستم اجتماعی سه خصوصیت بیان می‌کند:

۱. وجود روابط متقابل بین دو یا چند اجزا.

۲. منظور داشتن نحوه رفتار احتمالی دیگر اجزا در رفتارهای مبتنی بر روابط متقابل.

۳. تعقیب اهداف مشترک.

به عقیده پارسونز، مجموعه‌ای که از سه خصوصیت فوق برخوردار باشد، یک سیستم اجتماعی ایجاد می‌کند (Talcott, Parsons, *The Social System*, p.214).

6. element.

7. Whole.

۸. برخی از تعاریف نظام از نگاه صاحب‌نظران به شرح زیر است:

«آیه‌الله جوادی آملی»: «نظام در نگاه اسلامی سطحی، تک بعدی یا منحصر به رفاه دنیایی نیست، بلکه راه و سیاستی می‌باشد که با احکام و قوانین الهی آمیخته شده است. در الگوی نظام‌سازی اسلامی، رشد در تمام ابعاد آن، فقط با محوریت رهبری و مدیریت الهی او پیگیری می‌شود» (عبدالله جوادی آملی، *انتظار بشر/ از دین*، ص ۱۹۱).

«آیه‌الله علی‌رضا اعرافی»: «در اسلام قوانینی کلی وجود دارد که حالت تحلیلی دارد و حاکم بر منظومه‌های احکام است. در نظام به دنبال کشف قواعد تحلیلی هستیم که مبین نگاه اسلام به آن حوزه است؛ مثلاً در حوزه اقتصاد، مالکیت و ارزش آفرینی کار به چه معنا است» (علیرضا اعرافی، *دروس خارج فقه نظام‌سازی*، ص ۱). «روح مسأله نظام این است که ما با یک تحلیل از این سطح روئین به عمق می‌رسیم که در این عمق، قواعد بنیادین است» (همان).

«آیه‌الله محسن اراکی»: «در تعریف نظام اجتماعی (نظام به معنای کلان) می‌توان چنین گفت: الگوی روابط متقابل و منظم حاکم بر جمعی از انسان‌های دارای هدف مشترک و برخوردار از رهبری و مدیریت مرکزی واحد (محسن اراکی، *فقه نظام سیاسی/ اسلام (جهان بینی سیاسی)*، ص ۵۳).

«آیه‌الله دکتر مهدی هادوی تهرانی»: «اسلام در هر زمینه براساس مکتب خود مجموعه‌ای از نهادهای جهان‌شمول را عرضه می‌کند که با یکدیگر روابطی خاص دارند و دستگای هماهنگ را

تشکیل می‌دهند که بر اساس «مبانی»، تحقق بخش «اهداف» خواهد بود. این دستگاه نهادهای جهان‌شمول در هر باب را «نظام» می‌نامیم» (محمد مهدی هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۰۲).

«آیه‌الله عباس کعبی»: «نظام مجموعه اجزای به‌هم‌پیوسته، هماهنگ، مترتب بر هم و هدفمند است که انسان را به غایت خلقت نزدیک می‌کند» (عباس کعبی، «نظام‌سازی از منظر حقوق عمومی»، سخنرانی در همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی).

«حجة الاسلام والمسلمین میرباقری»: «فقه نظامات، احکام را به‌صورت یک «نظام» می‌بیند؛ یعنی احکامی نیستند که روی موضوعات منفصله جعل شده باشند، بلکه یک مجموعه به‌هم‌پیوسته هستند که یک کل یا سیستم یا نظام و پیوستار را به ما تحویل می‌دهند. این احکام که نظام واحدی را تشکیل می‌دهند، دارای یک مبنای واحد بوده و اگر محقق شوند، برآیند و نتیجه واحدی خواهند داشت» (سیدمحمد مهدی میرباقری، «جلسات درس خارج فقه حکومتی» سایت فرهنگستان علوم: [www. Isaq.ir](http://www.Isaq.ir)).

«حجة الاسلام و المسلمین عبدالحمید واسطی»: «نگرش نظام‌مند به دین؛ یعنی تحلیل گزاره‌های دین برای کشف سازه‌ها و فرآیندها در مقیاس کلان تمدن‌سازانه» (عبدالحمید واسطی، نگرش سیستمی به دین، ص ۱۲۱). «سیستم یا شبکه، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر هر جزء بر دیگر اجزاء و بر کل، تأثیر دارد و هیچیک از عناصر، اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند (همان، ص ۸۹).

«حجة الاسلام و المسلمین سعدی»: «اگر باور داریم که اسلام احتیاجات انسان را در عرصه‌های مختلف حیات او تأمین و مدیریت کرده است، باید معتقد باشیم این تأمین در قالب یک نظام که اجزای آن هماهنگ و سازگاری دارد، تدوین شده است و هماهنگی و سازگاری اندیشه، عقاید، الزامات، احکام، اخلاق و عرفان می‌توانند آن نظام را معرفی کنند» (حسینعلی سعدی، «فقه مضاف»، سخنرانی در همایش فقه حکومتی نظام‌ساز، ص ۱۴۵).

«استاد علی صفایی»: «نظام جریانی است که به مجموعه‌های مرتبط هدفمند، معنا می‌دهد و آنها را تبیین و تحلیل می‌کند» (مسعود پورسیدآقایی، دین و نظام‌سازی در نگاه استاد صفایی، ص ۱۲۵). «آنچه معمولاً در تعریف نظام آورده می‌شود، در حقیقت، مجموعه منظم است، نه نظام، نظام، عامل پیوند است» (همان، ص ۱۲۷).

«حجة الاسلام پیروزمند»: «نظام مجموعه روابطی است که انسان ایجاد کرده تا در بستر آن روابط، جریان نیاز و ارضای نیاز شکل بگیرد» (علیرضا پیروزمند، «نظام سازی مبتنی بر مردم سالاری دینی»، ماهنامه فرهنگی - تحلیلی سوره اندیشه، ش ۵۶، ص ۱۱۲).

«حجة الاسلام سید عباس نبوی»: «نظام سازی عبارت است از: «ایجاد منسجم ترین و معقول ترین ساختار بین اجزای یک مجموعه که کوتاه ترین و سریع ترین مسیر به سوی هدف را موجب شود» (سیدعباس نبوی، «زمان و نظام سازی»، کیهان اندیشه، ش ۶۷، ص ۱۴). «هر سیستم کارآمدی از چهار رکن ۱. ساختار کلی، ۲. روابط پیوسته و منسجم، ۳. عقلانیت و ۴. سرعت در جهت هدف تشکیل می شود (همان، ص ۱۶).

9. Mixed Methods Research.

10. Systematic.

11. emerging design.

12. constructivist approach.

13. Core Category or Phenomenon.

14. Causal Conditions.

15. Context Conditions.

16. Intervening Conditions.

17. Strategies.

18. Consequences.

19. Output.

20. Outcome.

21. Impact

22. Validity.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. آذر، عادل، رجب زاده، علی، **تصمیم گیری کاربردی رویکرد MADM**، تهران: انتشارات نگاه

دانش، ۱۳۹۰.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب [نسخه الکترونیکی]، ج ۱۲، بیروت: انتشارات دار الصدر، ج ۳، ۱۴۰۷ق.
۵. اراکی، محسن، فقه نظام سیاسی اسلام (جهان بینی سیاسی) [نسخه الکترونیکی]. تهران: انتشارات دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة [نسخه الکترونیکی]، ج ۱۴، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۷. اعرافی، علیرضا، دروس خارج فقه نظام سازی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳.
۸. بازرگان، عباس، مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: انتشارات نشر دیدار، ۱۳۸۷.
۹. پورسیدآقایی، مسعود، دین و نظام سازی در نگاه استاد صفایی، قم: انتشارات لیلۃ القدر، ۱۳۸۹.
۱۰. پیروزمند، علیرضا، «نظام سازی مبتنی بر مردم سالاری دینی»، ماهنامه فرهنگی - تحلیلی سوره اندیشه، ش ۵۶، ۱۳۹۱.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین [نسخه الکترونیکی]، قم: اسراء، ۱۳۸۰.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح [نسخه الکترونیکی]، ج ۵، بیروت: انتشارات دارالعلم للملایین، ۱۴۲۶ق.
۱۳. رضائیان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: انتشارات سمت، ج ۷، ۱۳۸۴.
۱۴. سعدی، حسینعلی، «فقه مضاف»، سخنرانی در همایش فقه حکومتی نظام ساز، قم: انتشارات مرکز تحقیقات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۲.
۱۵. صدر، سید محمدباقر، المدرسة القرآنیة [نسخه الکترونیکی]، ج ۲، قم: نشرالمجمع العلمی للشهید الصدر، ۱۳۷۸.
۱۶. -----، موسوعة الشهید الصدر [نسخه الکترونیکی]، قم: نشرالمجمع العلمی للشهید الصدر، ۱۳۷۵.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱ و ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵، ۱۳۷۴.
۱۸. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین [نسخه الکترونیکی]، ج ۶، تهران: انتشارات مرتضوی، ج ۳، ۱۳۷۵.

۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین [نسخه الکترونیکی]، ج ۸، قم: انتشارات نشر هجرت، ج ۲، ۱۴۱۵ق.
۲۰. کعبی، عباس، «نظام‌سازی از منظر حقوق عمومی»، سخنرانی در همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی، قم: همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی، ۱۳۹۲.
۲۱. میرباقری، سید محمد مهدی، «جلسات درس خارج فقه حکومتی»، سایت فرهنگستان علوم، قم: www.isaq.ir، ۱۳۹۲.
۲۲. نبوی، سید عباس، «فقه، زمان و نظام‌سازی»، کیهان اندیشه، ش ۶۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۵.
۲۳. نقی‌پورفر، ولی‌الله، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (نسخه ۲۴)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۴. واسطی، عبدالحمید، نگرش سیستمی به دین، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۸۸.
۲۵. هادوی تهرانی، محمد مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۷۷.
26. Ackoff, R. L., **From mechanistic to social systemic thinking**. Cambridge, MA: Pegasus Communications Inc, 2000.
27. Ashby, R, **Stability and adaptation. Organizations: Systems, Control and Adaptation**, Volume 2. / [a Cura Di] Joseph A. Litterer, 1960.
28. Ball, R. A, **Sociology and General Systems Theory**, The American Sociologist, 1978.
29. Creswell, J. W, **Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research**, University of Nebraska–Lincoln, 2005.
30. Creswell, J. W. **Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches**, Second Edition, Thousand Oaks, CA: Sage Publications, 2003.
31. Creswell, J. W; V. L. Plano Clark; M. L. Guttman and E. E. Hanson,

- Advanced Mixed Methods Research Design.** In A. Tashakkori and C. Teddlie (Eds.), *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research* (pp. 209–240). Thousand Oaks, CA: Sage, 2003.
32. Creswell, J., W. and V. L. Plano Clark, **Designing and Conducting Mixed Methods Research**, London: Sage Publication Inc, 2007.
33. Dahl, R. A, **A Democratic Dilemma: System Effectiveness versus Citizen Participati**». *Political Science Quarterly*, 1994, 109, 1, 23-34.
34. Parsons, Talcott, **The Social System**, Glencoe, Illinois: Free Press, 1951.
35. Penna, Robert M, **The Nonprofit Outcomes Toolbox**, Wiley, 2011.
36. Strauss, A., & Corbin, J, **Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques** (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage, 1998.
37. Tashakkori, A., and C. Teddlie. **Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research**, First Edition, Sage Publication Inc, 2003.

پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتو فرانسې
پرتال جامع علوم انساني